



دانشگاه پیام نور  
دانشکده علوم انسانی  
گروه الهیات و معارف اسلامی

عنوان پایان نامه :  
**تکلیف شرعی مسلمانان در قبال معاصی افراد**

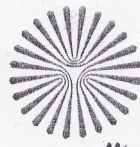
نگارش :  
**مریم نصیبي**

استاد راهنما :  
**دکتر محمد صادق جمشیدی**

استاد مشاور :  
**دکتر حسین داورزنی**

پایان نامه  
برای دریافت درجه کارشناسی ارشد  
در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی  
تیر ۱۳۹۰





## تصویب نامه

پایان نامه کارشناسی ارشد

خانم مریم نصیبی

رشته الهیات - فقه و مبانی حقوق شماره پروژه: ۴۸۴۷

تحت عنوان:

" تکلیف شرعی مسلمانان در قبال معاصی افراد "

ساعت: ۱۴:۱۵ - ۱۲:۳۰

تاریخ دفاع: ۱۳۹۰/۰۴/۱۹

درجه ارزشیابی: عالی

نمره: ۱۸/۵ هجری

هیات داوران:

امضاء	مرتبۀ علمی	نام و نام خانوادگی	داوران
	استاد	دکتر غلام جمشیدی	استاد راهنما
	استاد	دکتر داورزنی	استاد مشاور
	استاد	دکتر نقیبی	استاد داور
			استاد داور
	استاد	دکتر نقیبی	نماینده تحصیلات تکمیلی



تقدیم به:

روح عالم امکان و آخرین ستاره فروزان هدایت حضرت بقیه الله الاعظم ولی عصر عجل الله  
تعالی فرجه الشریف که بشریت به انتظار ظهورش نشسته است.

و تقدیم به نوگل زندگیم

آتوسا

## تقدیر و تشکر:

از ارشادات و راهنماییهای ارزنده جناب آقای دکتر محمد صادق جمشیدی که زحمت استاد راهنما را متقبل شدند و جناب آقای دکتر حسین داورزنی به عنوان استاد مشاور، که با راهنماییهای ارزشمند خود، اینجانب را در ارائه هرچه بهتر این پایان نامه یاری نمودند، تشکر و قدردانی می نمایم.

و همچنین از مادر عزیزم و همسرم که همواره مشوق اصلی من در این راه بوده اند کمال تشکر و قدردانی را دارم.



## چکیده:

یکی از مفاهیم مهم دینی، تکلیف است. تکلیف در لغت به معنای امر به انجام دادن کاری است که انجام دادنش برای کسی که به او امر شده مشقت دارد و در اصطلاح، اوامر و نواهی خداوند در جهت انجام دادن یا ندادن بعضی افعال به بندگانش است. اصطلاح تکلیف در ایام اخیر در کنار حق و در تقابل با آن به کار می‌رود.

حق و تکلیف یکی از اساسی‌ترین مباحث امروز و دغدغه‌های فکری نسل حاضر است. این مسأله اگر چه در عصر حاضر مورد توجه جدی قرار گرفته است؛ اما به هیچ وجه جدید نیست. در گذشته نیز این بحث در بین مسلمانان به شدت جریان داشته است.

حق با مسؤولیت و تکلیف ملازمه دارد. مسؤولیت و تکلیف، ضامن اجرای حقوق بشر خواهد بود. این امر بشر را به وضع قوانینی که بیانگر حقوق و تکالیف افراد جامعه نسبت به یکدیگر باشد، وادار کرده است. بدین جهت پیوسته در جوامع بشری قوانین و مقرراتی وجود داشته است.

در نظام کیفری جامعه اسلامی نیز مانند سایر نظامهای کیفری، یکی از اهداف مهمش، بازداشتن انسانها از ارتکاب جرم است؛ اما این اثر لزوماً بر اجرای کیفر مترتب نیست، بلکه این اثر وجود قوانین کیفری باز دارنده را شامل می‌شود و قانون کیفری باید به گونه‌ای باشد که قبل از این که اجراء بشود تأثیر خود را در بازداشتن افراد از ارتکاب جرم داشته باشد. اسلام، قوانین خود را به گونه‌ای تنظیم نموده است که مجرم را در حد امکان از ارتکاب جرایم پرهیز دهد و احتمال وقوع جرم را به حداقل ممکن کاهش دهد؛ نه این که قوانین را به گونه‌ای وضع کرده باشد که مجرم به راحتی بتواند آنها را نادیده بگیرد و بعد از ارتکاب جرم، در سدد مجازات مجرم برآید. اصولاً از مجموع قوانین و مقررات کیفری اسلام می‌توان استنباط نمود که هدف اصلی، اجرای این قوانین نیست؛ بلکه هدف اصلی، تأثیر این قوانین در بازداشتن افراد معاصی است.

افراد جامعه و حکومت در برابر افراد معاصی دارای وظایفی هستند که در شرع و قانون تعریف شده است. وظیفه شرعی هر مسلمان در برابر معاصی علاوه بر برخورد بازدارنده، نقش هدایت کننده نیز می‌باشد.

توصیه به امر به معروف یا خیرخواهی، از اصول مسلم قرآن است. دیانت اسلام به دنبال تاسیس جامعه‌ای است که انسان‌ها، خواه فردی و خواه گروهی، دستور دهنده نیکی و باز دارنده بدی باشند. پویایی اسلام مرهون امر به معروف و نهی از منکر است و بسیاری از اصول مهم دیگر از این اصل سرچشمه گرفته است.











## مقدمه

در میان موجوداتی که در جهان طبیعت زندگی می کنند، انسان از ویژگی هایی برخوردار است که مقام او را از دیگر موجودات ممتاز نموده است. ریشه این ویژگی ها و امتیازات این است که او گذشته از حیات طبیعی و غریزی، از حیات روحانی و عقلی نیز برخوردار است. حیات روحانی و عقلانی انسان بعد اصیل و بنیادین شخصیت انسان را تشکیل می دهد.

این بعد از حیات و شخصیت انسان در قلمرو قدرت و اختیار او قرار دارد و او می تواند در چگونگی شکل گرفتن و فعلیت یافتن آن تاثیرگذار باشد.

از سوی دیگر، حیات آدمی در عرصه اجتماع، می تواند قوام و دوام داشته باشد. زندگی فردی اگر هم امکان پذیر باشد، اما قطعاً رشد و تکامل انسان در پرتو زندگی اجتماعی امکان پذیر خواهد بود. چه بسا زندگی اجتماعی زمینه ساز برخورد منافع و مقاصد مختلف و متعارضی نیز هست و چه بسا غریزه خودخواهی و منفعت جویی انسان ها، سبب تعدی به حریم و حقوق یکدیگر شود.

حق با مسؤولیت و تکلیف ملازمه دارد. مسؤولیت و تکلیف، ضامن اجرای حقوق بشر خواهد بود. این امر بشر را به وضع قوانینی که بیانگر حقوق و تکالیف افراد جامعه نسبت به یکدیگر باشد، وادار کرده است. بدین جهت پیوسته در جوامع بشری قوانین و مقرراتی (ساده یا پیچیده) وجود داشته است.

در نظام کیفری جامعه اسلامی نیز مانند سایر نظامهای کیفری، یکی از اهداف مهم، بازداشتن انسانها از ارتکاب جرم است؛ اما این اثر لزوماً بر اجرای کیفر مترتب نیست، بلکه این اثر وجود قوانین کیفری باز دارنده را شامل می شود و قانون کیفری باید به گونه ای باشد که قبل از این که اجراء بشود تأثیر خود را در بازداشتن افراد از ارتکاب جرم داشته باشد. اسلام، قوانین خود را به گونه ای تنظیم نموده است که مجرم را در حد امکان از ارتکاب جرایم پرهیز دهد و احتمال وقوع جرم را به حداقل ممکن کاهش دهد؛ نه این که قوانین را به گونه ای وضع کرده باشد که مجرم به راحتی بتواند آنها را نادیده بگیرد؛ و بعد از ارتکاب جرم، در سدد مجازات مجرم برآید. اصولاً از مجموع قوانین و مقررات کیفری اسلام می توان استنباط نمود که هدف اصلی، اجرای این قوانین نیست؛ بلکه هدف اصلی، تأثیر این قوانین در بازداشتن افراد معاصی است. وظیفه شرعی هر مسلمان در برابر معاصی دیگران علاوه بر برخورد بازدارنده، نقش هدایت کننده نیز دارد.



در منطق محکم اسلام، عدالت و رافت مقصد اعلای انسانیت است که برای رسیدن به آن، در اخلاق اسلامی به کار بستن هر دو باهم توصیه شده و نمی توان رافت بدون عدالت، یا عدالت بدون رافت را اختیار کرد .

اطاعت از خدای قادر متعال و اجرای قوانین الهی به منظور تامین سعادت بشر، که عدالت نامیده می شود به هیچ وجه جنبه رافت و ترحم ندارد .

عدالت، عملی است که رفتار انسان ها را با معیار قانون می سنجد و هر کس را به تناسب رفتار نیک و بدی که از او سر زده، پاداش می دهد و مجازات می کند .

اسلام، برخلاف تمدن های دیگر، فرد را جزئی از جامعه و پاره سنگی از ساختمان یک تمدن معرفی نمی کند، بلکه هر فرد مسلمان را اساس و بنیان نهاد فراگیر فرهنگ اسلامی می شناسد .

اسلام به بشر به عنوان جزء ساده اجتماع، نمی نگرد؛ بلکه او را عنصر سازنده ای در جامعه متحول اسلام می داند، که هر گاه نقش خود را به درستی ایفا نکند، جامعه را گرفتار بی نظمی و اختلال می سازد . با این برداشت، اخلاق اجتماعی اسلام شکل می گیرد . هدف اخلاق اجتماعی، تنظیم روابط گروهی افراد جامعه است . هر مسلمانی، ملزم است تکالیف خود را نسبت به افرادی که با او نوعی رابطه دارند، مطابق تعالیم قرآن انجام دهد .

به طور کلی بیشتر تکالیف و فرائض اسلامی جنبه اجتماعی دارند و برخلاف پاره ای مذاهب، عبادت اسلام تنها ریاضت بدنی و مناسک فردی نیست .

توصیه به امر به معروف یا خیرخواهی، از اصول مسلم قرآن است . این کتاب آسمانی در موارد بسیار، امر به معروف را به مسلمانان یادآور می شود . دیانت اسلام به دنبال تاسیس جامعه ای است که انسان ها، خواه فردی و خواه گروهی، دستور دهنده نیکی و باز دارنده بدی باشند . به کار بستن این روش، تغییرات مطلوبی در شخصیت افراد به وجود می آورد و آنها را وادار می دارد که در زندگی به ارزش های معنوی، بیشتر ارج نهند .

پویایی اسلام مرهون امر به معروف و نهی از منکر است و بسیاری از اصول مهم دیگر از این اصل سرچشمه گرفته است که مشارکت و تعاون از آن جمله است .

طرح مشارکت اسلام از سایر مذاهب کامل تر و عملی تر است، مشارکت چیزی جز اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر نیست . اعتقاد به خیرخواهی جامعه و قبول مسؤولیت اجتماعی، از ایمان به خدا حاصل می شود . در حقیقت دین است که ضرورت مشارکت را به خاطر ایجاد جامعه ای بیشتر توصیه می کند و آدمی را از گناه و تخلف از قانون الهی و در خور مجازات باز می دارد . تلاش

اسلام در تشویق هر مسلمان به دخالت در امور جامعه، عامل جلوگیری از گناه است و از این دیدگاه به مشارکت می نگرد .

هیچ دینانی به روشن بینی اسلام، راه زندگی را به پیروان خود نیاموخته و احترام به قانون را تا این پایه، توصیه نکرده است . این روح اطاعت از قانون و عشق به عدالت است که دینت اسلام را به تاسیس جامعه ای هم آهنگ، وا داشته است .

این یک تحقیق نظری بر اساس مطالعات کتابخانه ایی با استفاده از کتاب های فقهی و حقوقی و مقاله های معتبر در ارتباط با شناخت تکلیف شرعی مسلمانان در قبال معاصی است.

امید است که این تحقیق فروغ فروزان به سوی نور و صراط مستقیم باشد و ما را در راه عمل به وظایف شرعی خصوصا فریضه امر به معروف و نهی از منکر رهنمون سازد.

والسلام علی من اتبع الهدی

# فصل اول: کلیات



## بخش اول

### ۱-۱- طرح تحقیق

#### ۱-۱-۱- تعریف مسأله

یکی از مهمترین ویژگیهای احکام و مقررات حقوقی برخوردار از ضمانت اجرا می باشد. ضمانت اجرا در این بخش از مقررات اجتماعی به صورتهای مختلفی بروز می کند که ریشه در اهمیت و ارزشی دارد که قانونگذار برای یک قانون معتقد است. در بعضی موارد ضمانت اجرا به صورت الزام به انجام یک فعل یا ترک آن ظاهر می شود. در موارد دیگری که به صورت اثر قراردادی خود را نشان می دهد که یک ضمانت اجرای وضعی است.

نظام حقوقی اسلام با توجه خاص به مصالح و منافع فردی و اجتماعی و درجه بندی نمودن آنها، برای جرایمی که مصالح و منافع ثابت و لایتغیری را هدف قرار می دهند، مجازاتهای ثابت و غیر قابل تغییری تحت عنوان « حدود و قصاص » در نظر گرفته شده است و برای جرایمی که به مصالح و منافع کم اهمیت تر و یا متأثر از شرایط زمان و مکان و ویژگیهای مجرم است مجازاتهای غیر ثابت و انعطاف پذیری را تحت عنوان « تعزیرات » تعیین نموده است.

#### ۱-۱-۲- سؤالات اصلی تحقیق:

۱- آیا مسلمانان در قبال معاصی افراد تکلیف هدایت کننده یا نقش بازدارنده دارند؟

۲- آیا از نظر اسلام، مجازات افراد معاصی صرفاً برای برقراری عدالت و سزا دادن به آنها است؟

۳- آیا از نظر اسلام میزان مجازات باید دقیقاً متناسب با جرم ارتكابی باشد؟

۴- آیا مجازات در جامعه اسلامی صرفاً برای رسیدن به آثار و نتایج فردی و اجتماعی است؟

۵- آثار و نتایجی که برای خود مجرم و هم برای جامعه بر آن مترتب می شود؛ چیست؟

#### ۱-۱-۳- سابقه و ضرورت انجام تحقیق

در نظام کیفری جامعه اسلامی نیز مانند سایر نظامهای کیفری، یکی از اهداف مهم، بازداشتن انسانها از ارتكاب جرم است؛ اما این اثر لزوماً بر اجرای کیفر مترتب نیست، بلکه این اثر وجود قوانین کیفری باز دارنده را شامل می شود و قانون کیفری باید به گونه ای باشد که قبل از این که اجراء بشود تأثیر خود را در بازداشتن افراد از ارتكاب جرم داشته باشد و به همین دلیل قانون مجازات باید بتواند بر انگیزه های مجرمانه افراد غلبه کند و آنها را از ارتكاب جرم باز دارد. اسلام، قوانین خود را

به گونه ای تنظیم نموده است که مجرم را در حد امکان از ارتکاب جرایم سنگین پرهیز دهد و احتمال وقوع جرم را به حداقل ممکن کاهش دهد؛ نه این که قوانین را به گونه ای وضع کرده باشد که مجرم به راحتی بتواند آنها را نادیده بگیرد؛ و بعد از ارتکاب جرم، در سدد مجازات مجرم برآید. اصولاً از مجموع قوانین و مقررات کیفری اسلام می توان استنباط نمود که هدف اصلی، اجرای این قوانین نیست؛ بلکه هدف اصلی، تأثیر این قوانین در بازداشتن افراد معاصی است. به همین دلیل اولاً شرایط بسیار سخت و نادر الوقوعی برای اثبات بسیاری از جرایم مقرر شده است و پس از وقوع جرم نیز فی الجمله راههایی برای اجرای مجازات پیش بینی شده است. در نتیجه باید تکلیف شرعی مسلمانان در قبال معاصی افراد مشخص شود.

#### ۱-۱-۴- فرضیه‌ها

- ۱- وظیفه شرعی هر مسلمان در برابر معاصی دیگران علاوه بر برخورد بازدارنده، نقش هدایت کننده نیز دارد.
- ۲- مجازات افراد معاصی موجب اصلاح و تربیت مجرم و بازداشتن او و دیگران از ارتکاب جرم نیز می شود.
- ۳- مجازات افراد معاصی در جامعه اسلامی از وظایف حکومت است.
- ۴- یکی از اهداف مهم تشریح و اجرای مجازات، تحقق آثار مطلوب آن در حیات مادی و معنوی انسانها می باشد.
- ۵- همه مجازاتهایی که در نظام کیفری اسلام پیش بینی شده است در عین حال که عدالت کیفری را در بالاترین حد ممکن تأمین می کنند، به گونه ای طراحی شده اند که دارای نتایج مطلوب فردی و اجتماعی نیز باشند.

#### ۱-۱-۵- هدف‌ها

نظام کیفری در جامعه اسلامی در عین حال که افراد معاصی را مستحق مجازات می داند و تحقق عدالت کیفری را در حد امکان مورد توجه قرار می دهد، مجازاتهای خود را در راستای تحقق اهداف ارزشمند فردی و اجتماعی قرار می دهد و از تشریح و اعمال هر مجازاتی اهداف خاصی را پی گیری می کند. به همین دلیل، در روایات اسلامی آمده است که اجرای یک حد از حدود الهی در زمین، از بارش چهل شبانه روز باران مفیدتر است.

### ۱-۱-۶- چه کاربردهایی از انجام این تحقیق متصور است؟

یکی از مهمترین و حساس ترین بخشهای هر نظام حقوقی ، نظام کیفری آن است که تعیین کننده جرایم ، مجازاتها و نیز چگونگی رسیدگی و شیوه های اثبات جرایم و اجرای مجازاتها می باشد . اهمیت این بخش از نظام حقوقی به دلیل ارتباط مستقیم آن با مصالح مهم اجتماعی از یک طرف و با حیثیت و شخصیت انسانها از طرف دیگر می باشد. به طوری که با شناخت آن می توان به صورت عملی تاثیر اجرایی بهتری در برخورد جامعه با افراد معاصی داشته باشد.

۱-۱-۷- **روش انجام تحقیق** : این یک تحقیق نظری است که بر اساس مطالعات کتابخانه ایی صورت می گیرد.

### ۱-۱-۸- روش و ابزار گردآوری اطلاعات :

استفاده از کتاب های فقهی و حقوقی .  
استفاده از مقاله های معتبر در ارتباط با موضوع .  
استفاده از سایت های اینترنتی مورد تایید و مرتبط با موضوع پایان نامه.

## بخش دوم

### ۱-۲- مفاهیم

#### ۱-۲-۱- تکلیف در لغت

«تکلیف» در لغت از ماده کلفت به معنای مشقت و سختی گرفته شده است :

«کلفه تکلیفا ای امره بما یثقی علیه»<sup>۱</sup>. به طور کلی می توان گفت «تکلیف» از نظر لغت به کاری گفته می شود که انسان وقتی می خواهد آن را انجام دهد، با سختی و مشقت روبه رو شود. واژه «کلفت» در سخن معمولی اسمی برای مشقت است.<sup>۲</sup>

آیت الله جوادی آملی نوشته است :

"در لسان اهل لغت، «تکلیف» از ریشه «کلف» به معنای امر کردن به چیزی است که انجام آن دشوار باشد."<sup>۳</sup>

#### ۱-۲-۲- تکلیف در اصطلاح

در اصطلاح متکلمان واژه تکلیف به گونه های مختلف تعریف شده است که در این جا به چند نمونه از آن تعریف ها اشاره می کنیم :

۱. مرحوم شیخ طوسی در کتاب الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد نوشته است :

"التکلیف عباره عن اراده المرید من غیره ما فیه کلفه و مشقه."<sup>۴</sup>

تکلیف عبارت است از خواستن و اراده تکلیف کننده از غیر خود، چیزی را که در آن مشقت و سختی وجود دارد.

۲. مرحوم شیخ طوسی هم چنین در کتاب تمهید الاصول فی علم الکلام تعریف دیگری را نیز بیان کرده است :

"التکلیف اراده الفعل المطلق من الغیر او طلب ترک الفعل منه مع بیانهما و کل مسلم بالغ عاقل، مکلف بالشرع."<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - ابن منظور، ۱۴۰۶ق، لسان العرب، ج ۹، ص ۳۰۷.

<sup>۲</sup> - راغب اصفهانی، ۱۳۹۲ق، حسین، مفردات الفاظ القرآن، ج ۳، ص ۶۴.

<sup>۳</sup> - جوادی آملی، ۱۳۸۵ش، حق و تکلیف در اسلام، ص ۲۰.

<sup>۴</sup> - شیخ طوسی، ۱۴۰۰ق، الاقتصاد، ص ۱۰۱.

۳. ابن میثم بحرانی در قواعد المرام وارشاد الطالبین تعریفی ارائه کرده که به نظر می رسد تعریفی بهتر و جامع تر است.

"انه (ای التکلیف) بعث من تجب طاعته ابتداء علی ما فیه کلفه و مشقه."<sup>۱</sup>  
تکلیف عبارت است از بعث و فرمان کسی که اطاعت از او ابتدائاً واجب است، به کاری که با کلفت و زحمت همراه است.

به طور کلی می توان گفت که تعاریف متکلمان هر چند تا حدی با هم متفاوتند، اما قدر جامع تعاریف آن ها عبارت است از این که: کسی که فرمان برداری از او لازم است ابتدائاً انجام کاری یا ترک کاری را بخواهد که در سختی باشد، به شرط آن که خواسته خود را، اعلام نموده باشد.  
قید «ابتدائاً» به این منظور در تعریف گنجانده شده است که تکلیف را در بحث و فرمان الهی منحصر نماید، زیرا اطاعت از بعث و فرمان غیر خدا؛ مانند پیامبر (ص)، یا امام (ع)، پدر و دیگران، همه فرع اطاعت خدا و منشعب از فرمان اوست، چون خداوند دستور اطاعت از آن ها را به مکلفین داده است.<sup>۲</sup> قید «کلفت و مشقت» هم به این خاطر در تعریف آمده است که چیزهایی را که عاری از کلفت و مشقت است از تعریف خارج کند.

### ۱-۲-۳- شرایط تکلیف

در رابطه با شرایط تکلیف مرحوم محقق طوسی در تجرید الاعتقاد نوشته است:  
"و شرایط حسنه النفاء المفسده و تقدمه و امکان متعلقه و ثبوت صفة زایده علی حسنه و علم المکلف بصفات الفعل و قدر المستحق و قدرته علیه و امتناع القیح علیه و قدره المکلف علی الفعل و علمه به اوامکانه و امکان الاله."<sup>۳</sup>  
مرحوم علامه با استفاده از این عبارت خواجه نصیر الدین، شرایط تکلیف را تقسیم کرده است، که عبارتند از:

<sup>۱</sup> - بحرانی، کمال الدین میثم بن علی، ۱۴۰۶ق، قواعد المرام فی علم الکلام، ص ۱۱۴؛ سیوری، مقداد، ۱۴۰۵ق، ارشاد الطالبین، ص ۲۷۱؛ علامه حلّی، یوسف بن حسن، ۱۳۶۳ش، انوار الملکوت فی شرح الیاقوت، ص ۱۴۸.

<sup>۲</sup> - علامه حلّی، حسن بن یوسف، ۱۴۰۷، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۴۳۷؛ علامه حلّی، حسن بن یوسف، ۱۳۸۷ش، شرح باب حادی عشر، ص ۱۲۲.

<sup>۳</sup> - علامه حلّی، حسن بن یوسف، ۱۴۰۷ق، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۴۵۷.

### ۱-۲-۴- شرایط نفس تکلیف

شرایطی که در خود تکلیف و در خطاب مولا باید موجود باشد، عبارتند از:  
الف. خطاب و تکلیف مولا، عاری از هر گونه مفسده و قباحت باشد؛ اعم از این که قباحت نسبت به شخص مکلف مورد خطاب باشد یا نسبت به مکلف دیگر باشد و نیز مفسده ای در پی نداشته باشد که غالب بر مصلحت آن یا مصلحت مکلف باشد؛ مثلاً در قرآن کریم این آیه هست که: (ان الصلاه تنهی عن الفحشاء والمنکر). نماز از آغاز بعثت، خصوصیت نهی از فحشا و منکرات را داشت، ولی با این حال خداوند آن را در اول بعثت، خصوصیت نهی از فحشا و منکرات را داشت، ولی با این حال خداوند آن را در اول بعثت بر مردم واجب نکرد. کلاً احکام الهی به صورت تدریجی تشریح شد تا بر مردم سخت و گران نیاید و آن ها را در پذیرش اسلام ترغیب نماید، زیرا اگر تمام مقررات اسلامی یک دفعه تشریح می شد، بسیاری از مردم آن را تحمل نمی کردند و شاید از آن گریزان می شدند و این یقیناً مفسده بزرگی برای آنان بود و آن ها را از سعادت عظمای محروم می کرد. به عبارت دیگر مفسده آن بیش از مصلحتش بود، لذا واجب نشد یا «مثلاً روزه برای مریض نیکوست، اما از جهتی زیان دارد. پس در خود تکلیف از هیچ جهت نباید مفسده نباشد».<sup>۱</sup>

ب. تکلیف و خطاب مولا از نظر زمانی مقدم بر امتثال تکلیف باشد تا مکلف فرصت شناختن و پی بردن به اجزا و ارکان و شرایط مکلف به را داشته باشد و گرنه چنین تکلیفی قبیح بوده که از مولای حکیم سر نمی زند؛ مثلاً قبل از فرا رسیدن روز عید، باید حرمت روزه آن روز برای مکلف اعلام شود، «لذا مواخذه کسی بر گناهان پیش از تشریح جایز نیست».<sup>۲</sup>

### ۱-۲-۵- شرایط متعلق تکلیف

شرایطی که در مکلف به یا متعلق تکلیف می باشد عبارت از دو امر هستند، چنانکه مرحوم علامه حلی گفته است: «واما ما یرجع الی المكف فامران...»<sup>۳</sup> و آن دو عبارتند از:  
الف. تکلیف به محال و تکلیف به مالایطاق نباشد؛ یعنی متعلق تکلیف از چیزهایی باشد که ایجاد آن برای مکلف ممکن و مقدور باشد. (امکان وجوده) و خلاصه از قبیل: «سعی با پای لنگ یا پرواز

<sup>۱</sup> - علامه حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۰۷ق، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۴۵۷

<sup>۲</sup> - همان.

<sup>۳</sup> - همان، ص ۳۴۸.

انسان در آسمان» نباشد یا چنین نباشد که در آن واحد به چیزی امر کند و در همان زمان از آن نهی نماید.

ب. متعلق تکلیف یا علمی که مکلف انجام می دهد غیر از آن که یک کاری حسن است، باید مشتمل بر یک صفت زایده هم باشد؛ یعنی اگر قرار است مکلف این کار را انجام دهد باید یا واجب باشد یا مستحب که به این ترتیب صفت زایده منع از ترک یا لزوم الفعل و رجحان الفعل را دارند و اگر بناست مکلف این فعل را ترک کند و انجام ندهد، کار مورد نظر یا باید حرام باشد یا مکروه .

صفت زایده در فعل حرام عبارت است از مفسده ملزمه و در فعل مکروه عبارت است از مرجوحیت فعل. با این بیان می بینیم که مباحات، متعلق تکلیف قرار نمی گیرند.

شرط دوم را به عبارت دیگر این گونه می توان بیان نمود که در انجام مکلف به، مصلحت و در ترک آن مفسده وجود داشته باشد والا در تعلق یافتن حکم به آن، ترجیح بلامرجح صورت می گیرد و تکلیف نمودن خداوند به چنان امری، لغو خواهد بود؛ مگر آن که صرفاً از باب امتحان انجام گرفته باشد که در این صورت وجود مصلحت و مفسده در نفس امر و نهی، کافی است.<sup>۱</sup>

#### ۱-۲-۶- شرایط تکلیف شونده

قانونگذار برای اینکه انسان را به تکلیف خاصی مکلف سازد چند شرط را باید رعایت کند . به عبارت دیگر ، انسان با واجد بودن چند شرط می تواند انجام تکالیفی را بر عهده بگیرد . شرایط تکلیف که در همه تکالیف باید وجود داشته باشد امور ذیل است :

۱- بلوغ

۲- عقل

۳- اطلاع و آگاهی

۴- قدرت و توانایی

۵- آزادی و اختیار

۱- بلوغ

انسان به یک مرحله از سن که می رسد ، تغییراتی ناگهانی و تغییری شبیه نوعی جهش در اندام و احساسات و اندیشه اش پیدا می شود که بلوغ نامیده می شود . هر کسی در حقیقت یک بلوغ طبیعی دارد.

<sup>۱</sup> - مسعودی ، محمد هاشم ، ۱۳۸۵ش ، ماهیت و مبانی کلامی تکلیف، ص ۷۹ .